کدام تدبیر، مؤسسه رسانه‌های تصویری را به عنوان بازوی دولت در تنظیم‌گری صوت‌وتصویر فراگیر از وزارت فرهنگ گرفت؟

خلع ید یا ترک فعل؟

فرهنگی

فاطمه ترکاشوند
روزنامه‌نگار

کشمکش‌ها بر سر مسأله صوت و تصویر فراگیر و تولیت آن، درحالی هنوز در میان سرگردانی‌ها ادامه دارد که در حدود نیم‌دهه پیش، «مؤسسه رسانه‌های تصویری» به عنوان مهم‌ترین بازوی دولت در این حوزه، مدیریت شبکه نمایش خانگی را از تنظیم‌گری گرفته تا توزیع عمومی بر عهده داشت. هرچند که در سال‌های آخر فعالیتش، به علت به روزرسانی نشدن وظایف و اختیارات، کم‌فروغ‌تر و بی‌فایده‌تر از همیشه به نظر می‌رسید اما دست‌کم حالا روشن است که تصمیم به ادغام و عملاً حذف آن مؤسسه، باتوجه به توسعه قابل پیش‌بینی رسانه‌های سرگرمی‌محور بر بستر اینترنت، عجولانه‌تر از آن بود که حالا قابل دفاع باشد. مؤسسه‌ای که می‌توانست با الحاق یک بخش آینده‌پژوهی، ساختارها و وظایف خود را بازسازی و به روزرسانی کند، خیلی زود از ریشه کنده شد اما حالا حسین انتظامی، مدیر سازمان سینمایی وقت، در کتاب خود به نام «پرگار» که در آن به تجربه‌نگاری در حوزه مدیریت فرهنگی پرداخته، روایت دیگری از این ماجرا دارد.

چرا ادغام مؤسسه رسانه‌های تصویری در دستور کار قرار گرفت؟

روز ۲۵ دی‌ماه سال ۱۳۹۷ حسین انتظامی سرپرست سازمان سینمایی و امور سمعی و بصری در راستای سیاست‌های کلان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و برنامه جامع این سازمان، به مهدی یزدانی، مدیرعامل مؤسسه رسانه‌های تصویری مأموریت داد ظرف مدت ۶ماه نسبت به انجام تشریفات قانونی ادغام وظایف مؤسسه رسانه‌های تصویری در یک یا دو مؤسسه دیگر وابسته به سازمان اقدام کند؛ مأموریتی که در ادامه مهم‌ترین بازوی دولت در حوزه تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر را قطع می‌کرد.

در متن حکم مدیر وقت سازمان سینمایی آمده بود: «در راستای سیاست‌های کلان وزارت متبوع و سازمان و به منظور فراهم کردن شرایط لازم برای شکل‌گیری ساختاری چابک، منعطف و متناسب با رویکرد جامعه‌مدارانه و هم‌راستا با استقرار مناسبات حرفه‌ای و صنفی در سینمای کشور و برای ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی بیشتر بین بخش‌های مختلف سینما از آنجا که خوشبختانه ظرفیت و توان بخش خصوصی فعال در شبکه نمایش خانگی و بازارهای نوپدید به حد قابل قبولی رسیده است و زیرساخت لازم برای جذب و استقرار فناوری‌های نوین و حضور مؤثر در بازارهای داخلی و خارجی فراهم شده، مصرف محصولات سینمایی و سمعی-بصری شکل تازه‌ای به خود گرفته است و از طرفی بر اساس برنامه جامع سینما، ورود مؤثرتر در بازار نیازمند تمرکز بیشتر و اتکا به نیروی‌های جوان و خلاق و طرح‌های نو و دوری از تصدی و امور اجرایی غیرضرور در این بخش مهم است.»

چرا باوجود اطلاع از نزاع بر سر VOD، بازوی تنظیم‌گر وزارت قطع شد؟

متن حکم گویای این واقعیت است که تصمیم ادغام مؤسسه رسانه‌های تصویری با طرح و برنامه صورت گرفته است. حال آنکه حسین انتظامی در کتاب خود اشاره می‌کند جدال بر سر تولیت نمایش خانگی میان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیش از یک سال قبل از آن آغاز شده بود. او می‌نویسد: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به لحاظ کارشناسی با این موضوع مخالف بود. ضمناً این خلع ید را مقدمه خلع ید مهمتر (محتوا) می‌دانست. در پی اعتراض سازمان صدا و سیما به ساخت و پخش سریال در شبکه نمایش خانگی (چه با مدل سنتی‌تر یعنی انواع لوح فشرده و چه با مدلی که داشت به تدریج جایگزین می‌شد یعنی VOD) جمع‌بندی این بود که از ایجاد رقیب‌تراشی برای صدا و سیما جلوگیری و کل کار در حوزه VOD به آن سازمان سپرده شود. این ماجرا که از سال ۱۳۹۶ کلید خورد تا همین حالا همچنان محل نزاع بوده است.»

بر این اساس سؤال اینجاست که وزارت فرهنگ و ارشاد وقت با کدام طرح و برنامه، باوجود اطلاع از این نزاع، اقدام به ادغام مؤسسه رسانه‌های تصویری کرده است؟ نویسنده کتاب پس از آن از دامنه‌دار شدن این جدال و تلاش ارکان مختلف دولت وقت به علاوه برخی دیگر نظیر شورای عالی فضای مجازی سخن به میان می‌آورد و از ورود دستگاه قضایی به این جدال نیز یاد می‌کند. اما نزاع با ساترا چه آورده‌ای می‌توانست داشته باشد در حالی که نهایتاً دولت وقت، زمینه تنظیم‌گری حوزه VOD را از پیش به هر بخش دیگری واگذار کرده و از قانع کردن سایر ارکان تصمیم‌ساز در حکمرانی فرهنگی، عقب مانده بود؟

هم ساختار به‌هم ریخت و هم صداوسیما توانش را نداشت

در روایت انتظامی، «انتظامی، دیدگاه‌های توسعه طلبانه صداوسیما در تنظیم گری صوت و تصویر فراگیر را به درستی تحلیل می کند».

از یک سو وزارت ارشاد به عنوان باسابقه‌ترین نهاد تنظیم‌گر از چرخه صوت و تصویر فراگیر در بلندمدت، حذف و مرزهای تعریف مفهوم صوت و تصویر فراگیر در عمل، مخل سایر وظایف و مأموریت‌های ارشاد در زمینه تولیدات سینما و سرگرمی می‌شود و از سوی دیگر، رویکردی مبتنی بر تحلیل‌های غیرواقع‌گرایانه از ظرفیت‌های صداوسیما به عنوان دستگاهی که مهم‌ترین مأموریت آن، تولید محتوا و جبران ضعف‌های بزرگ کشور در حوزه رسانه است، وظیفه‌ای بزرگ و خارج از توان این نهاد را به دوش آن بار می‌کند.

انتظامی درباره برخی از این پیچیدگی‌های ناشی از تغییر ناهمگون ساختار حقوقی می‌پرسد: «وقتی یک سریال بخواهد فقط در شبکه فیزیکی سنتی توزیع شود، مجوزش را از کدام نهاد باید بگیرد؟ با توجه به آنکه مجموعه‌های دنباله‌دار (سریال) علاوه بر داستانی شامل غیرداستانی و از جمله مستند یا برنامه‌های ترکیبی هم می‌شود، تکلیف آنها چیست؟ کارهای تک‌قسمتی چطور؟ در تفاوت سریال صدا و سیما و سریال‌های غیرتلویزیونی (سکویی) متوجه این نکته نبودند که سریال صدا و سیما، معرف و مبلغ سبک زندگی رسمی است و الزامات نظارتی خود را دارد اما سریال غیرتلویزیونی که مردم بابت آن پول پرداخت می‌کنند، معرف سبک زندگی عرفی است. درست مثل تفاوت سینما با سریال‌های داستانی تلویزیون. جالب بود وقتی به آمار مراجعه می‌کردند و می‌دیدند سریال‌های پخش‌شده از سکوها چه تأثیر شایان توجهی در ریزش مخاطبان سریال‌های ترکیه‌ای و امریکای مرکزی با آن همه آثار مخرب فرهنگی و اجتماعی داشته است، باز هم می‌گفتند مرغ ما یک پا دارد. آنها متوجه این نکته نبودند که اگر استانداردهای سریال‌های تلویزیونی بر نسل جدید سریال‌ها، یعنی سریال‌های غیرتلویزیونی تسری یابد، آن اشتیاق پدیدآورندگان و آن محتوای متفاوت منتفی می‌شود و باید فرق گذاشت بین سریال‌هایی که مردم به رایگان می‌بینند و سریالی که حاضرند برایش پول پرداخت کنند و منطقاً نباید با شابلون واحد برای این دو گونه رفتار کرد.»

آفکام ایرانی چیست و کجا بهترین مصداق آن است؟

تردیدی نیست که تولید محتوای صوت و تصویر فراگیر، نیاز به تنظیم‌گری و وضع مقررات دارد و تجربه جهانی نیز بر این امر صحه می‌گذارد. اما انتخاب بهترین مرکزیت برای انجام این مهم، بر کلیت امر تأثیر بسزایی می‌گذارد. آفکام، سازمان تنظیم‌کننده مقررات رسانه‌ای بریتانیاست که در سال ۲۰۰۳ تأسیس شد. انتظامی هم برداشت خود را از میل برخی مدیران و برنامه‌ریزان صداوسیما برای بنیان‌گذاری یک «آفکام ایرانی» یاد و گلایه می‌کند که «اگر قرار است کپی کنیم، همه شئون مرتبط را باید کپی کنیم. به علاوه، اگر کسانی معتقدند وزارت ارشاد در ممیزی سینما و کتاب و مطبوعات و تئاتر و موسیقی، سخت‌گیری مدنظر شما را نمی‌کند، راهش به هم ریختن ساختار حقوقی اساسی و ساختارتراشی نیست بلکه فشار بیاورید و وزیر ارشاد یا معاون مربوطه را عوض کنید و فرد باب میل خود را بر سر کار بیاورید.»

شهاب اسفندیاری، رئیس دانشگاه صداوسیما هم دو روز پیش، در مطلبی که با محور مقایسه کاهش مخاطبان تلویزیون BBC و تلویزیون ایران و معنای جامعه‌شناختی استقبال تماشاگران ایرانی از برنامه «حسینیه معلی» در توئیترش نوشته بود، به آمارهای آفکام اشاره کرد: «گزارش اخیر آفکام از کاهش تماشای سنتی تلویزیون در بریتانیا خبر می‌دهد. رفته رفته از تعداد تماشاگرانی که در ساعات پربیننده «پای تلویزیون می‌نشینند تا ببینند چه نشان می‌دهد» کاسته می‌شود و تماشای انتخابی و شخصی بر سکوهای مختلف افزایش می‌یابد.

البته رسانه‌های بزرگ مانند بی‌بی‌سی هم با راه‌اندازی پلتفرم‌های جدید بر بستر اینترنت مانند iPlayer مخاطبان خود در فضای مجازی را افزایش داده‌اند. همان‌طور که در ایران هم تلوبیون سکویی محبوب برای تماشای انتخابی و شخصی برنامه‌های تلویزیون را فراهم آورده است.» اما به میان کشیدن پای آفکام، بحث‌هایی را درباره درستی این قیاس و میزان شباهت عملکرد ساترا با این نهاد انگلیسی به راه انداخت.

چه کسی ذی‌نفعان را تنها گذاشت؟

اگر وظیفه حاکمیت را ساماندهی وضعیت صوت و تصویر فراگیر بدانیم و باور داشته باشیم که این مأموریت باید به بهترین نحو و در سریع‌ترین زمان ممکن انجام شود، آنگاه وظیفه خود خواهیم دانست که بهترین و مؤثرترین راه را برای حل این مسأله پیدا کنیم. به نظر می‌رسد دولت دوازدهم با حذف مؤسسه رسانه‌های تصویری، بستر را برای خلع ید وزارت فرهنگ از صوت و تصویر فراگیر آماده کرد و باوجود مخالفت‌ها و اعتراض‌ها عملاً ذی‌نفعان این حوزه را تنها گذاشت تا اینکه در سال ۱۴۰۰ تهیه‌کنندگان آثار نسبت به ترک فعل وزارت فرهنگ در این حوزه به دیوان عدالت اداری شکایت کردند. درحالی که تجهیز فکری و زیرساختی وزارت فرهنگ در زمان مقتضی می‌توانست به معنای اعلام آمادگی به مراجع تصمیم‌ساز نظام درباره توان این نهاد برای ورود به تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر تلقی و از اختلال در این حوزه، جلوگیری شود. درواقع این، سایر مراجع تصمیم‌ساز نبودند که وزارت فرهنگ را در این حوزه خلع ید کردند بلکه وزارت ارشاد خود را خلع سلاح و ناتوان کرد و ذی‌نفعان، این مسیر را ترک فعل دانستند.

> دولت دوازدهم با حذف مؤسسه رسانه‌های تصویری، بستر را برای خلع ید وزارت فرهنگ از صوت و تصویر فراگیر آماده کرد و باوجود مخالفت‌ها و اعتراض‌ها عملاً ذی‌نفعان این حوزه را تنها گذاشت تا اینکه در سال ۱۴۰۰ تهیه‌کنندگان آثار نسبت به ترک فعل وزارت فرهنگ در این حوزه به دیوان عدالت اداری شکایت کردند

گفت‌وگوی «ایران» با مسلم علم‌زاده طراح نمایشگاه «این خانه عزادار حسین(ع) است»

فرصتی برای ثبت خانه‌های قدیمی تهران

> دیوراما در ایران چندان شناخته‌شده و رایج نیست و من افراد زیادی را ندیده‌ام که به آن مشغول باشند. بیشتر هنرمندان این رشته در سایه هستند و انگار تمایل ندارند با هم ارتباط برقرار کنند. به همین دلیل تشکل خاصی مانند انجمن صنفی هم نداریم

مصاحبه

نمایشگاه «این خانه عزادار حسین(ع) است» با نمایش ۱۵ اثر دیوراما از مسلم علم‌زاده تا ۲۲ مردادماه در فرهنگسرای ارسباران برپاست. در این نمایشگاه، ماکت‌های مینیاتوری بر اساس خانه‌های قدیمی تهران، مشهد و بوشهر ساخته شده است؛ خانه‌هایی که محل برگزاری روضه‌های خانگی هستند. مسلم علم‌زاده متولد ۱۳۶۳ در مرودشت، کارشناس ارشد تصویرسازی است و از سال ۱۳۸۲ کار هنری‌اش را با گرافیک آغاز کرده، اما از سال ۱۳۹۶ به هنر کمتر شناخته‌شده «دیوراما» مشغول است. او در گفت‌وگو با «ایران» از چیستی هنر دیوراما، وضعیت آن در ایران، ماجرای شکل‌گیری نمایشگاه «این خانه عزادار حسین(ع) است» و... می‌گوید.

هنر دیوراما چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟

پیشینه هنر دیوراما به دکورهای قابل حملی باز می‌گردد که برای تئاتر می‌ساختند. کم‌کم ماکت‌های تزئینی و دکوراتیو و موزه‌ای پدید آمدند و هنر دیوراما شکل گرفت. دیوراما هنری است که هم قابلیت موزه‌ای و هم قابلیت دکوراتیو دارد و آثار دیوراما در ابعاد متنوعی ساخته می‌شود. از کارهای بسیار کوچک و مینیاتوری داریم تا کارهایی که در اندازه واقعی و حتی بزرگ‌تر می‌سازند. دیوراما می‌تواند جنبه آموزشی هم داشته باشد؛ مثلاً مجموعه‌های جغرافیایی که از یک منطقه خاص می‌سازند، دیوراما محسوب می‌شود. اینکه رودخانه از کجا می‌آید، چه مناطقی جنگلی است و...

دیوراما به چه هنری شباهت بیشتری دارد؟

دیوراما بیش از هر چیز به معماری و دکوراسیون نزدیک است، ولی فعالیت در آن به شناخت طیف گسترده‌ای از هنرها مانند تصویرسازی، ترکیب‌بندی رنگ، نقاشی، گرافیک و... نیازمند است. در ایران و جهان کسانی هستند که به شکل تخصصی روی یک حوزه تمرکز دارند؛ مثلاً فقط هواپیمای جنگی می‌سازند، یا لکوموتیوهای قدیمی، کشتی‌های چوبی، لوازم آشپزخانه، مواد غذایی، اتاق خواب کودک و... برخی از این افراد کلکسیونر هستند و آثارشان را جمع‌آوری می‌کنند. دیوراما نیاز به سواد بصری و هنری بسیار بالا و تمرکز زیاد دارد.

وضعیت این هنر در ایران چگونه است؟

دیوراما در ایران چندان شناخته‌شده و رایج نیست و من افراد زیادی را ندیده‌ام که به آن مشغول باشند. بیشتر هنرمندان این رشته در سایه هستند و انگار تمایل ندارند با هم ارتباط برقرار کنند. به همین دلیل تشکل خاصی مانند انجمن صنفی هم نداریم و این باعث شده دیوراما رشد نسبتاً کندی داشته باشد. در چند سال اخیر دیده‌ام که به مرور آدم‌های بیشتری به این رشته علاقه‌مند شده‌اند و به آن وارد می‌شوند.

ایده راه‌اندازی نمایشگاه «این خانه عزادار حسین(ع) است» چگونه شکل گرفت؟

کار برای این نمایشگاه را از ۹ ماه پیش آغاز کردم. اما پیش از آن دوست داشتم مجموعه‌ای از خانه‌های ایرانی مربوط به دوران اواخر قاجار تا اوایل پهلوی را کار کنم چون به نوع معماری این خانه‌های آجری که بیشتر در محدوده بازار، پامنار، عودلاجان و... قرار دارند، علاقه‌مند هستم. به خاطر همین علاقه، سال‌ها از در و پنجره‌های این خانه‌ها عکاسی می‌کردم. یک روز به یک خانه آجری قدیمی برخوردم که بالای آن پرچم نصب شده بود که به مجلس عزای امام حسین(ع) خوش آمدید. بعد از چند لحظه یاد مجموعه عکس‌هایم از خانه‌های قدیمی افتادم و جرقه نمایشگاه در ذهنم خورد. با توجه به اینکه ما از کودکی با روضه امام حسین(ع) بزرگ می‌شویم، با این فضا مأنوس هستیم و حس کردم ساختن مینیاتوری خانه‌هایی که در آن روضه خانگی برپا می‌شود، می‌تواند ایده جالبی باشد. همه خانه‌های این نمایشگاه از خانه‌های قدیمی تهران است؛ به‌جز دو اثر که به خانه‌هایی در مشهد و بوشهر تعلق دارد.

مخاطبان این نمایشگاه چه واکنشی داشتند؟

مخاطب وقتی آثار را می‌بیند، به جای اینکه خود را در خانه در نظر بگیرد، انگار خانه را در آغوش خود احساس می‌کند. هر مخاطبی با توجه به ذهنیت و خاطراتی که از گذشته دارد، با این خانه‌ها همذات‌پنداری می‌کند. علاوه بر جنبه‌های هنری، این نمایشگاه جنبه میراث فرهنگی هم دارد، چرا که دوره‌ای خاص از معماری شهر تهران را ثبت می‌کند. یکی از دلایل علاقه من به ثبت خانه‌های قدیمی تهران این است که اینها در حال نابودی هستند. شهرداری تهران اقداماتی در این زمینه داشته و مثلاً مجموعه‌ای از سردرهای خانه‌ها را آماده کرده است. اما نمی‌دانم چرا فکری برای این نمی‌شود که چنین مجموعه‌هایی به شکل موزه‌ای ساخته شود و دائماً قابل نمایش باشد. بسیاری از خانه‌هایی که در این نمایشگاه می‌بینید، در شرف تخریب است.

مواد اولیه مورد نیازتان را چگونه تأمین می‌کنید؟

یکی از مشکلات من و همه کسانی که دیوراما کار می‌کنند، مواد اولیه است. بعضی چسب‌های خاص در ایران وجود ندارد، پودر چمن، پروفیل و... هم در دسترس نیست و خیلی محدود به دست ما می‌رسد. برای تأمین مواد اولیه با بناها، کارگرها، مصالح‌فروش‌ها و... صحبت می‌کنم و راهنمایی می‌گیرم. در این نمایشگاه از چوب، پروفیل‌های پلاستیکی، پی‌وی‌سی، پلکسی گلاس، خاک رس، گچ، بتونه ساختمانی، رنگ روغن و پلاستیک و... استفاده کرده‌ام.

اقتصاد هنر دیوراما چه شرایطی دارد؟

آثار هنری دیوراما هزینه تمام‌شده بسیار بالایی دارد، چون هم مواد اولیه گران است و هم زمان زیادی از هنرمند می‌گیرد. متأسفانه اقتصاد خیلی خوبی ندارد، مگر اینکه بتوانی با خارج از کشور کار کنی. در این صورت هم مشکل پست وجود دارد، چون احتمال شکستن این محصولات حین جابه‌جایی زیاد است. در خارج از ایران نمایشگاه‌های بسیار بزرگی برای آثار دیوراما برگزار می‌شود و خرید آثار هم تقریباً جا افتاده است.

اما در ایران با توجه به اینکه این هنر خیلی شناخته‌شده نیست و قیمت بالایی هم دارد، هنوز در سبد خرید مردم هنردوست قرار نگرفته و بیشتر سازمان‌ها و موزه‌ها می‌توانند حمایت کنند.

علاقه‌مندان به هنر دیوراما تا ۲۲ مردادماه فرصت دارند که هر روز به‌جز روزهای تعطیل از ساعت ۱۰ تا ۱۸ با مراجعه به نگارخانه هنر فرهنگسرای ارسباران در خیابان شریعتی، بالاتر از پل سیدخندان، خیابان جلفا از این نمایشگاه دیدن کنند و برای دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۲۲۸۷۳۳۹۹ تماس بگیرند.

برش

یک روز به یک خانه آجری قدیمی برخوردم که بالای آن پرچم نصب شده بود که به مجلس عزای امام حسین(ع) خوش آمدید. بعد از چند لحظه یاد مجموعه عکس‌هایم از خانه‌های قدیمی افتادم و جرقه نمایشگاه در ذهنم خورد. با توجه به اینکه ما از کودکی با روضه امام حسین(ع) بزرگ می‌شویم، با این فضا مأنوس هستیم و حس کردم ساختن مینیاتوری خانه‌هایی که در آن روضه خانگی برپا می‌شود، می‌تواند ایده جالبی باشد